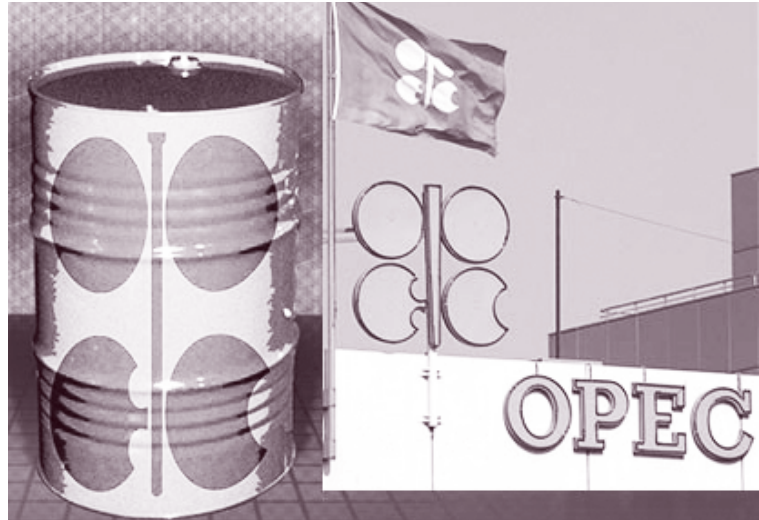


## تأسیس اوپک از نگاهی دیگر

حشمت الله رضوی



می‌پردازند. جهان در حال توسعه در شرایطی که تعداد فزاینده‌ای از کشورها پس از جنگ جهانی دوم در آفریقا و آسیا به استقلال دست یافته‌اند با این پرسش روبه‌رو است که اساساً استقلال سیاسی بدون نیل به استقلال اقتصادی به چه معناست؟ این گروه از کشورها همچنین در می‌یابند که در شرایط بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم، سازوکار تجارت بین‌الملل به زیان تولید و صادرکنندگان مواد اولیه، خواه نفت یا هر کالای دیگری، است. در همین حال تلاش مستقلانه شماری از کشورهای در حال توسعه برای نیل به حقوق اقتصادی و اعمال حق حاکمیت بر منابع ملی به شکست می‌انجامد. در کشورهای نفت‌خیز، ایران نخستین کشوری است که دفاع از حقوق اقتصادی را تجربه می‌کند، اما تلاش آن برای ملی کردن صنعت نفت ناکام می‌ماند. این رویداد ۷ سال پیش از تشکیل اوپک رخ داد و این زمانی بود که دولت وقت ایران به نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق در کودتای انگلیسی، آمریکایی سرنگون شد. با وجود این، اندیشه نیل به استقلال اقتصادی و تلاش برای اعمال حق حاکمیت بر منابع ملی همچنان راهنمای حرکت کشورهای در حال توسعه است. سه سال بعد از تلاش ایران برای ملی کردن نفت، جمال عبدالناصر در مصر تصمیم به ملی کردن کانال سوئز گرفت اما تلاش وی نیز با واکنش قدرت‌های مسلط نظام بین‌المللی روبه‌رو شد. به این ترتیب توان گفت مساعی کشورهای در حال توسعه برای دفاع از حقوق اقتصادی بود که تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را در سال ۱۹۶۰ میلادی در پی داشت. تشکیل اوپک در سال ۱۹۶۰، «بجاد کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل» (آنکتاد) ۴ سال پس از تأسیس اوپک در سال ۱۹۶۴ و تلاش آن برای ایجاد نظم نوین اقتصادی بین‌المللی روی دیگری از تلاش کشورهای در حال توسعه برای کسب حقوق اقتصادی است. رد پای این اندیشه را که نظام اقتصادی بین‌المللی منافع کشورهای در حال توسعه را تأمین نمی‌کند، در جای جای فعالیت‌های کشورهای در حال توسعه در دوران پس از جنگ جهانی دوم می‌توان مشاهده کرد. اندیشه نیل به نظام اقتصادی عادلانه و تضمین منافع کشورهای در حال توسعه با روند نیل کشورهای آسیایی و آفریقایی به استقلال سیاسی در سال‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد، در دهه ۶۰ به ایجاد نهادهایی مانند اوپک و آنکتاد انجامید و در دهه ۷۰ به بلوغ رسید. ملی کردن منابع نفت در شمار قابل توجهی از کشورهای عضو اوپک (نیمه نخست دهه ۷۰ میلادی)، شوک نخست نفتی و چهار برابر شدن قیمت‌های نفت (۱۹۷۳)، افزایش قابل توجه اعضای اوپک (دهه ۷۰)، تلاش کشورهای در حال توسعه برای تحقق نظم نوین اقتصادی بین‌المللی و مذاکرات شمال و جنوب (دهه ۷۰)، همگی حلقه‌های به هم پیوسته زنجیری هستند که اندیشه نیل به استقلال اقتصادی در کنار استقلال سیاسی، اعمال حق حاکمیت بر منابع ملی و از بین بردن شرایط ناعادلانه تجارت بین‌الملل را می‌توان در آن دید. در نگاهی گذرا می‌توان گفت که تلاش کشورهای در حال توسعه برای نیل به حقوق اقتصادی در دهه ۵۰ میلادی تا آنجا که انفرادی بود با واکنش قدرت‌های مسلط جهانی روبه‌رو شد و به میزان زیادی ناکام ماند، در دهه ۶۰ به شکل‌گیری نهادهای جمعی کشورهای در حال توسعه انجامید و در دهه ۷۰ به موفقیت‌های قابل توجهی نایل آمد.

اوپک به عنوان یکی از پویاترین سازمان‌های متعلق به کشورهای در حال توسعه در آستانه گذر از پنجاه سالگی است. در پنج دهه‌ای که از عمر این سازمان می‌گذرد کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی در مورد علل تشکیل آن نوشته شده است. با وجود این، شکل‌گیری اوپک را هنوز هم می‌توان از زوایای جدیدی مورد بررسی قرار داد. اوپک سی سال نخست عمر خود را در نظام دو قطبی پس از جنگ جهانی دوم و بیست سال اخیر را در دوران پس از فروپاشی نظام دو قطبی سپری کرده است. به این ترتیب اوپک از جمله سازمان‌های ماندگاری است که نمونه آن را در کشورهای در حال توسعه کمتر می‌توان یافت. با مروری بر تحولات سیاسی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌توان گفت که اوپک در عرصه اقتصادی به همان اندازه ماندگار بوده است که جنبش عدم تعهد در عرصه سیاسی. اگر چه دامنه فعالیت این دو نهاد متفاوت است. زمانی که از تأسیس اوپک سخن به میان می‌آید، عمدتاً موضوع کاهش قیمت‌های نفت توسط شرکت‌های نفتی بین‌المللی و واکنش کشورهای صادرکننده نفت در برابر آن سخن به میان می‌آید. به درستی گفته می‌شود که کشورهای تولیدکننده نفت در سال ۱۹۶۰ میلادی تصمیم گرفتند تا در برابر شرکت‌های نفتی بین‌المللی که در تولید، بازاریابی و فروش نفت آنان نقش مؤثری ایفاء می‌کردند، به دفاع از منافع خود بپردازند و سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را با هدف ثبات قیمت‌های نفت و کسب سهم عادلانه از درآمدهای نفتی ایجاد کنند. نویسندگانی نیز به درستی نقش شخصیت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند و از این رو زمانی که شکل‌گیری اوپک را بررسی می‌کنند، ترجیح می‌دهند نقش کارلوس پرز آلفونزو و یا عبدالله طریقی، وزیران نفت وقت ونزوئلا و عربستان، را مورد توجه قرار دهند. اما رواج این اندیشه که نظام بین‌الملل منافع کشورهای در حال توسعه را تأمین نمی‌کند، نیز در شکل‌گیری اوپک و دیگر نهادهای اقتصادی متعلق به کشورهای در حال توسعه در دوران پس از جنگ جهانی دوم نقش قابل توجهی داشت. همان‌طور که گفته شد پس از جنگ جهانی دوم نظام دو قطبی بر جهان حاکم شد. مروری بر شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای پس از جنگ جهانی دوم آثار دو قطبی شدن جهان و کشمکش برای سلطه را در جای جای رویدادها و تحولات نه تنها سیاسی بلکه اقتصادی آن زمان نشان می‌دهد. حتی پیش از پایان جنگ شاهد ایجاد دو نهاد اقتصادی مهم برای شکل دادن به مناسبات پولی و مالی بین‌المللی هستیم؛ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی. همچنین نظام دو قطبی به ایجاد نهادها و سازمان‌های اقتصادی خاص هر قطب انجامید، در اروپای غربی که پس از جنگ هنوز اقتصاد شکننده‌ای داشت و در معرض تهدید گرایش‌های جمع‌گرا بود، جامعه اقتصادی اروپا (اتحادیه اروپای کنونی) دو سال پیش از اوپک در سال ۱۹۵۸ ایجاد شد. هدف نخست این اتحادیه، کاهش تعرفه‌ها میان کشورهای عضو به منظور رونق بخشیدن به اقتصاد کشورهایی بود که با وجود گذشت سال‌ها از پایان جنگ جهانی دوم هنوز نتوانسته بودند روی پای خود بایستند. در کشورهای بلوک شرق نیز شاهد ایجاد «شورای همپاری‌های اقتصادی متقابل» یا «کمکون» هستیم. در چنین شرایطی، کشورهای جهان سوم که سهم چندانی در مناسبات اقتصادی بین‌المللی ندارند برای دستیابی به وضعیت اقتصادی عادلانه‌تر به چاره‌اندیشی